

سنجۀ گونه‌های روابط ایران و چین در دورۀ صفویه

نوع مقاله: پژوهشی

جمشید نوروزی^۱/انرگس خزاعی^۲

چکیده

روابط ریشه‌دار و طولانی ایران و چین در دوران حاکمیت مغولان و تیموریان در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و هنری بسیار رونق گرفت. اما در اوایل سده ۱۰ ق/ ۱۶ م، به دلیل اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران و چین، تغییر جغرافیای سیاسی آسیا و پیدایی قدرت‌های جدید در حد فاصل دو سرزمین، تغییر توازن قوای سیاسی و اقتصادی در جهان و نفوذ روزافزون اروپاییان در اطراف ایران و چین، بسیاری از زمینه‌ها و بایسته‌های تداوم ارتباطات متنوع ایران و چین از میان رفته بود. در ایام حکومت صفویه (۹۰۷-۱۱۳۵ ق) نیز روابط ایران و چین در کانون توجه زمامداران و نخبگان دو سرزمین نبود و تنها به دلا بلی چون تأثیرپذیری از میراث روابط دو سرزمین و نیز برخی ضرورت‌های اقتصادی، بعضی از گونه‌های روابط ایران و چین به صورت محدود برقرار بود. این مقاله بر آن است با رویکردی توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر اطلاعات پراکنده و اندک منابع تاریخی، ادبی، علمی و هنری پاسخگوی این پرسش باشد که روابط ایران و چین طی دورۀ صفویه در چه عرصه‌ها و با چه کیفیتی در جریان بوده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد این روابط عمدتاً در زمینه‌های اقتصادی، علمی و هنری بوده است. به‌واسطه حفظ این گونه‌های روابط و نیز تداوم پرتوافکنی میراث دیرینه و غنی روابط گذشته دو سرزمین، چین و دستاوردهای تمدنی و فرهنگی آن کمابیش در آینه ذهن و اندیشه حکام و نخبگان ایران عهد صفوی حضور داشت. واژگان کلیدی: روابط خارجی، صفویه، چین، روابط اقتصادی، روابط هنری، روابط علمی.

Evaluating the Relation Types of Iran and China during Safavid Period

Jamshid Noroozi³/Narges Khazaei⁴

Abstract

The deep-rooted and protracted Sino-Iranian relations flourished in the Mongol and Timurid periods in political, economic, cultural, and artistic aspects. But, by the early 10th century AH/ 16th century AD, many of the requisites for maintaining the diverse Sino-Iranian relations were lost due to the political and economic situation in Iran and China, changes in the Asian political geography, the emergence of new powers between the two lands, shifting balance of political and economic power in the world, and increasing European influence around Iran and China. During the Safavid Period (907-1135 AH), Sino-Iranian relations were not the focus of interest for the rulers and elites of the two lands. Only certain types of relations were maintained partially, due to economic necessities and the influence of the Sino-Iranian common heritage. The present article aims to examine the types and the quality of Sino-Iranian relations during the Safavid period based on a descriptive-analytical method, using scattered information and scarce historical, literary, scientific, and artistic sources. The results indicated that these relations were mainly in economic, scientific, and artistic fields. Due to the preservation of these types of relations and the continuation of the heritage of Sino-Iranian long-standing and rich relations, the Iranian rulers and elites of the Safavid period, more or less, were aware of Chinese civilizational and cultural achievements.

Keywords: Foreign Relations, Safavid Dynasty, China, Economic Relations, Artistic Relations, Scientific Relations.

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. * تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۳/۱۴ * تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۶/۲۶
۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

3. Associate Professor, Department of History, Faculty of literature, Alzahra University, Tehran, Iran. Email: j.noroozi@alzahra.ac.ir.

4. PhD Candidate of History, Department of History, Alzahra University, Tehran, Iran. Email: nargeskhazaei1374@gmail.com.

مقدمه

روابط خارجی همواره اهمیت خاصی برای زمامداران کشورها داشته و کمیت و کیفیت آن بر وضعیت زندگی مردم هر جامعه اثر گذار بوده است. چگونگی روابط بین کشورها و سرزمین‌ها و نیز تداوم یا تقطیع آن متأثر از عوامل مختلفی چون اوضاع سیاسی و اقتصادی جهان و شرایط داخلی کشورها بوده است. معمولاً حکمرانان کشورها بعد از تثبیت حاکمیت خویش، برای افزایش مشروعیت منطقه‌ای و جهانی و نیز اداره امور قلمرو و تأمین بخشی از مایحتاج مردم، به دنبال برقراری روابط با همسایگان و برخی کشورهای مهم بوده‌اند. اما موفقیت در این امر، گذشته از خواست و تلاش زمامداران کشورها، به مسائل دیگری نیز بستگی دارد که گاه از توان و عهده تصمیم‌گیری آنان خارج است. از حیث جایگاه و اهمیت روابط خارجی ایران در طول تاریخ، روابط ایران با چین از جایگاه خاصی برخوردار بوده است. روابط این دو سرزمین و تمدن کهنسال از عهد باستان شروع شده و با فراز و نشیب‌هایی در حوزه‌های مختلف ادامه یافته است. از مقاطع اوج ارتباطات ایران با چین عهد مغولان و ایلخانان (۶۱۶-۷۳۶ق/۱۲۳۷-۱۳۳۵م) است که حکمرانی این دو سرزمین در اختیار چنگیزخان و عقباش قرار گرفت. به دنبال تضعیف حاکمیت فرزندان و نوادگان چنگیز بر ایران و چین و پیدایی حکومت تیموریان (۷۷۱-۹۱۱ق/۱۳۷۰-۱۵۰۶م) در ایران و مناطق نزدیک به سرزمین چین، جوانی از ارتباطات متنوع و تنگاتنگ این دو سرزمین برقرار ماند. تیموریان که ادعای انتساب به مغولان را داشتند و به حمایت برخی از آنها متکی بودند، بر حفظ روابط با چین اهتمام داشتند و گاه به اندیشه تصاحب چین می‌افتادند. بعد از انقراض تیموریان و تسلط صفویان بر ایران، به دلایلی چون تغییر جغرافیای سیاسی و توازن قوا در آسیا، نفوذ روزافزون اروپاییان در مناطق پیرامون ایران و چین و ضعف سلسله حاکم بر چین (مینگ؛ حک: ۱۳۶۸-۱۶۴۴م/۷۶۹-۱۰۵۴ق)، بسیاری از زمینه‌ها و ملزومات تداوم ارتباطات پرونق و متنوع دوران مغولان و تیموریان از میان رفت. اگرچه روابط ایران و چین در عهد صفویه چندان در کانون توجه زمامداران و نخبگان دو سرزمین نبود، گونه‌هایی از روابط گذشته دو سرزمین به شکلی بی‌رمق و کم‌فروغ برقرار بود. این پژوهش به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی و با اتکا بر اطلاعات پراکنده و اندک موجود در منابع تاریخی، سفرنامه‌ها، متون ادبی، علمی و هنری، در پی پاسخ به این سؤال است که مناسبات ایران و چین در عهد صفویه در چه عرصه‌هایی و با چه روندی در جریان بوده است؟

تاکنون پژوهشی مستقل و جامع که تمام جوانب این موضوع را در دوره صفویه مورد توجه قرار داده باشد، انجام نشده است. کتاب *تاریخ روابط ایران و چین*^۱ ضمن نگاهی کلی به تاریخ روابط این دو کشور،

۱. علاءالدین آذری، *تاریخ روابط ایران و چین* (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷).

اشاره‌ای بسیار مختصر به دوره صفویه دارد. در کتاب مؤلفه‌های فرهنگی در روابط تجاری ایران و چین در دوره ساسانی و صفوی^۱ عواملی چون دین و روابط تجاری میان ایران و چین در دوران ساسانی و صفویه با هم مقایسه شده، اما اطلاعات آن درباره دوره صفویه ناقص و کم است. در مقالاتی چون «تأثیر سفالگری چین بر ایران در دوره صفوی»^۲ و «تأملی در سفال آبی و سفید چین و ایران در اعصار مینگ و صفویه»^۳ تنها به یکی از جنبه‌های روابط میان دو سرزمین اشاره شده است. دانشنامه ایرانیکا در مقاله «روابط ایران و چین»^۴ (۱۹۹۱م)، ضمن بررسی روابط ایران و چین در دو دوره ایران باستان و ایران اسلامی، به دوران صفویه هم اشاره کرده است. در مقاله دیگری نیز نقوش چینی که یکی از عناصر مورد استفاده هنرمندان عصر صفوی در طراحی است، بررسی شده است.^۵ افزون بر این، در دو مقاله^۶ «The Measure of 青韵绵长一朝» و «Faithfulness: The Chinese Models for Safavid Blue- and-White»^۷ هم از سفالینه‌های آبی و سفید چین در ایران و صادرات سفال‌های آبی و سفید از چین به ایران صحبت شده است. مقاله^۸ «۱۶-۱۷ 世纪伊斯法罕贸易发展研究»^۹ نیز به وضعیت تجارت در اصفهان عصر صفوی پرداخته است. مقاله^{۱۰} «萨法维伊朗：参与与贡献：与早期世界贸易体系» هم نقش ایران عصر صفوی را در تجارت جهانی بررسی می‌کند.^۹ این آثار تنها به گوشه‌هایی از انواع روابط ایران و چین در دوره صفویه، آن هم به شکل مختصر و ناقص، توجه کرده‌اند و هدف این مقاله را که ترسیم تصویری جامع در این زمینه است، دربر نمی‌گیرند.

روابط هنری

در بررسی روابط هنری ایران و چین در عهد صفویه، موضوع تأثیرگذاری سبک چینی بر شیون مختلف هنر ایرانی و نیز جایگاه تولیدات صنعتی و هنری چین در جامعه ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۱. افشین هوشنگی، بهمن نوروزی، مؤلفه‌های فرهنگی در روابط تجاری ایران و چین در دوره ساسانی و صفوی (تهران: فراونگ، ۱۳۹۹).
 ۲. فیروز مهجور، «تأثیر سفالگری چین بر ایران در دوره صفوی»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۵۶، ش ۱ (بهار ۱۳۸۴)، ص ۱۲۳-۱۲۸.
 ۳. نسیم سرمندی، معصومه ترکی باغبادرانی، «تأملی در سفال آبی و سفید چین و ایران در اعصار مینگ و صفویه»، نقش مابه، س ۳، ش ۶ (پاییز و زمستان ۱۳۸۹)، ص ۱۱۱-۱۲۰.

4. "Chinese-Iranian relations"

5. Ladan Abouali, Zhihui WU, Jake KANER, "Chinese visual traditions encountered on Safavid furniture", *Bulletin of the Transilvania University of Brasov, Series II: Forestry*, Vol. 11, N. 2 (2018), pp. 81-94.

6. Patty Proctor, "The Measure of Faithfulness: The Chinese Models for Safavid Blue- and-White", *In Persian Pottery in the First Global Age: The Sixteenth and Seventeenth Centuries*, by Lisa Golombek & others (Leiden-Boston: Brill, 2014).

7. 紫玉 (2011)

8. 山西师范大学 | 杨薇郁 (2020)

9. 山西师范大学马克思主义学院; 安徽大学西北非研究中心 | 高娟 王泽壮 (2020)

سفال‌سازی

با رونق یافتن هنر و صنعت ایران در عهد صفوی، هنر سفالگری نیز در وضعیت مطلوبی قرار گرفت. با این حال، در سطح جهان، مردمان چین در ساخت ظروف «معروف به چینی» موفق‌تر عمل می‌کردند.^۱ تلاش بی‌وقفه و سرمایه‌گذاری مستمر مالی و فکری از جمله عوامل پیشرفت آنان در این هنر و صنعت بود. چنانکه به خاطر مهارت در این کار و کیفیت بالای سفال‌های تولیدی، از سرآمدان این حرفه در جهان محسوب می‌شدند.^۲ پیش از صفویه، دو تمدن ایران و چین طرح‌ها و الگوهای خود را در حوزه سفالگری با هم به اشتراک می‌گذاشتند. البته هنرمندان این عرصه در دوره صفویه تنها به الگوهای پیشین اکتفا نکردند و در خلق الگوها از تفکرات ذهنی خود هم استفاده نمودند.^۳

مقارن با دوران تیموری و صفوی، سلسله حاکم بر چین (مینگ) به قدری به هنر سفال‌سازی توجه داشت^۴ که اغلب کشورها خواهان سفال این سرزمین بودند.^۵ در عهد حکومت این دو سلسله بر ایران، افزون بر تأثیرپذیری هنرمندان ایرانی از سبک ظروف چینی، شاهد حضور کم‌شمار تاجران چینی در ایران هستیم. اولتاریوس که در سال ۱۰۴۶ ق/۱۶۳۷ م در ایران حضور داشته، دو تاجر چینی را در شهر اردبیل در حال فروش ظروف چینی مشاهده کرده است.^۶ در دوره صفویه مقدار و تنوع سفال‌هایی که از چین به ایران وارد می‌شد، به اندازه‌ای بود که گاه حکام آسیای مرکزی و غربی از طریق ایران به این ظروف دست می‌یافتند.^۷

در موزه برلین کاسه‌ای با نقش اژدها و نیز قمقمه‌ای حاوی نقش شیر درنده با شانه‌های شعله‌ور به نمایش درآمده که احتمالاً هر دو در عهد صفویه و تحت تأثیر هنر چین ساخته شده بوده است. این قبیل نمونه‌ها گویای آن است که گرچه کارهای ابتدایی ایرانیان به تقلید از هنر چین بود، آنها به‌مرور زمان از تقلید صرف فاصله گرفتند و به ترکیب و تکمیل هنر خود در این عرصه^۸ پرداختند و حتی گاه طرح‌هایی سرزنده و شاداب به دست دادند.^۹

در زمان شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ ق/۱۵۷۱-۱۶۲۹ م) ساخت سفال‌هایی مشابه سفال چین و نیز

۱. متأسفانه به دلیل ناشناختی با زبان چینی، امکان استفاده از منابع اصلی و تحقیقات انجام‌شده به این زبان مقدور نگردید.

۲. ابراهیم پورداوود، هرمنزنامه (تهران: شبوا، ۱۳۳۱)، ص ۱۳.

۳. آرتور پوپ، فیلیس واکرمن، سیری در هنر ایران: از دوران پیش از تاریخ تا امروز، ج ۴ (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷)، ص ۱۶۹۸.

۴. راجر سیوری، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی (بی‌جا: مرکز، ۱۳۶۳)، ص ۱۴۰-۱۴۱.

۵. فیتز جerald، تاریخ فرهنگ چین، ترجمه اسماعیل دولتشاهی (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴)، ص ۵۳۴.

6. John Carswell, *Blue and White ceramics, Chinese Porcelain Around the World* (London, 2000), p. 79.

۷. آدم اولتاریوس، سفرنامه اولتاریوس: اصفهان خونین شاه‌صفی، ترجمه محمدحسین کردبچه، ج ۲ (بی‌جا: کتاب برای همه، ۱۳۶۹)، ص ۴۹۴.

۸. سیوری، ص ۱۴۱.

۹. پوپ و واکرمن، ج ۴، ص ۱۸۷۷.

کاشی‌سازی به لحاظ تنوع و کیفیت رشد چشمگیری داشت. شاهد این مدعا «مجموعۀ کاملی است که [از] این ظروف در موزۀ ویکتوریا و آلبرت لندن موجود است.»^۱ کیفیت و جنس این ظروف ایرانی آنقدر لطیف و شفاف است که با ظروف ساخت چین اشتباه گرفته می‌شود. در سال ۱۶۶۶م/۱۰۷۶ق، هنگامی که سفیر کمپانی هند شرقی هلند نزد شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ق/۱۶۴۲-۱۶۶۶م) آمد، همراه خود هدایایی گرانبها آورد که ۵۶ قطعه ظرف چینی نیز جزء آنها بود. شاه وقتی ظروف را دید، با تمسخر پرسید اینها چه هستند؟ در پاسخ به او عرض کردند که هلندی‌ها ظروف چینی ساخت ایران و چین را برای فروش به کشور خود می‌برند.^۲ این مسئله نشان از کیفیت بالای ظروف سفالی ساخت ایران و تشابه آنها با ظروف ساخت چین و سودجویی برخی تجار اروپایی از این موضوع دارد.

تاورنیه که در سال‌های ۱۰۴۱-۱۰۷۸ق/۱۶۳۲-۱۶۶۸م در ایران حضور داشت، اشاره می‌کند که در کرمان ظرفی می‌سازند که به ظروف چینی شباهت دارد.^۳ از نظر کمپانی هند شرقی انگلیس، با وجود ساخت ظروف چینی در اصفهان و یزد، بهترین شکل بدل ظروف چینی در کرمان و مشهد تولید می‌شود.^۴ سفال‌هایی که در دوره صفویه تحت تأثیر سفال چینی تولید می‌شد، عبارت بود از ظروف کوباجی، ظروف نقاشی‌شده تک‌رنگ و چند رنگ کرمان یا سلادن^۵ و ظروف معروف به آبی و سفید.^۶ تلاش ایرانیان برای یادگیری ساخت ظروف سبز بیدی یا سلادن سبب شد صادرات این نوع چینی از کشور چین از سال ۱۰۷۱ تا ۱۰۹۱ق، در گمبرون (بندر عباس) که مرکز حمل و صدور این ظروف بود، کاهش یابد.^۷

یکی از عواملی که در رونق جدی این صنعت در عهد صفویه نقش داشت، تصمیم شاه عباس اول مبنی بر دعوت از سیصد کوزه‌گر چینی برای مهاجرت به ایران بود. شاه عباس اول در تلاش برای ترغیب اروپاییان به خرید ظروف چینی از ایران و انصراف آنان از خرید این ظروف از چین، سیصد کوزه‌گر چینی را به ایران دعوت کرد که اکثریت آنان در اصفهان ساکن شدند. مهاجرت چینی‌ها هنگامی صورت گرفت که سلسلۀ مینگ اجازه خروج صنعتگران را می‌داد. صنعتگران ایرانی، در کنار هنرمندان چینی، روش‌های فنی چینی‌ها را آموختند. البته هنرمندان ایرانی به تقلید صرف اکتفا نکردند و ایده‌های خود را

۱. یعقوب آژند، *تاریخ ایران: دوره صفویان*، پژوهش در دانشگاه کمبریج (تهران: جامی، ۱۳۸۰)، ص ۵۳۲.

۲. ا. ج. آربری، *میراث ایران*، ترجمۀ احمد بیرشک، عزیزالله حاتمی و دیگران، زیر نظر احسان یارشاطر (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۶)، ص ۲۵۱.

۳. شاردن، *سیاحتنامه شماردن*، ترجمۀ محمد عباسی، ج ۳ و ۴ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۶)، ص ۳۳۲-۳۳۳. J. G. Justi, *Vollständige Abhandlungen*: ۳۳۳-۳۳۲, *Von Den Manufakturen and Fabriken* (Copenhagen, 1758), p. 413.

۴. تاورنیه، *سفرنامه*، ترجمۀ ابوتراب نوری (اصفهان: کتابخانه سنایی و کتابفروشی تایید اصفهان، ۱۳۴۳)، ص ۱۱۳.

۵. سیوری، ص ۱۴۳.

۶. فائق توحیدی، *فن و هنر سفالگری* (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۷۸)، ص ۲۸۷-۲۸۵-۲۸۴.

7. Ma Huan, *Ying-Yai Sheng-Jan (the Overall Survey of the Ocean's Shores)*, ed. and tr. J. V. G. Mills (Cambridge: University Press for the Hakluyt Society, 1970), p.178.

نیز در ساخت ظروف اجرا کردند.^۱ این امر گویای آن است که با وجود آنکه اخبار چندی از رفت و آمد هیئت‌های سیاسی بین دو طرف در دست نیست، ظاهراً حکومت‌های دو کشور به ارزش هنر و ضرورت چاره‌اندیشی برای مبادله برخی دستاوردهای هنری و صنعتی آگاه بودند.

ردپای میزان تأثیرگذاری هنر چینی در ایران عصر صفوی و پیامد آن در زندگی برخی از گروه‌های اجتماعی را می‌توان از گزارش‌های سیاحان دریافت که از استفاده روزانه فرادستان از ظروف چینی سخن می‌گویند. در هنگام چیدن سفره برای شاه و مهمانانش که از موارد تشریفاتی مهم بود، ظروف چینی در ردیف ظروف طلا قرار داشتند و برای تشریحات و مخلفات دیگر از کاسه و پیاله‌های چینی استفاده می‌کردند. افزون بر این، اگر فردی تشنه بود، در ظرف چینی برایش آب می‌ریختند. همچنین این ظروف غذا را تا مدتی گرم نگه می‌داشتند. در ایام محرم نیز در مراسم‌ها اغلب ظروف چینی و قاشق‌های چوبی سر سفره می‌آوردند.^۲ با توجه به دوره زمانی سفر سیاحان (۱۰۱۳ تا ۱۱۰۴ ق/ ۱۶۰۴-۱۶۹۳ م) و اشارات آنها به استفاده از ظروف چینی در مهمانی‌ها، به نظر می‌رسد این ظروف در سراسر ایام حکومت صفویه اهمیت، ارزش و اعتبار خود را در پذیرایی‌های درباری حفظ کرد. همچنین میرزا سمیعا که اندکی بعد از تسخیر اصفهان توسط افغانان به نگارش *تذکره الملوک* پرداخته، از مکانی در کاخ شاهان در اصفهان با عنوان «شربتخانه معموره» یاد می‌کند که ظروف چینی، طلا و نقره در آن نگهداری می‌شد.^۳ نگهداری ظروف چینی در کنار ظروف طلا و نقره در مکانی خاص در دربار حاکی از اهمیت استفاده از این ظروف برای مهمانی‌های درباری است.

احداث عمارت چینی‌خانه در آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی شاهد دیگری بر حضور قابل توجه هنر چینی در قلمرو صفویان است. این عمارت که از شاهکارهای مهندسی معماری به شمار می‌آید و طراح آن شیخ بهایی است،^۴ در سمت شرقی آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی واقع است. در این عمارت هشت ضلعی، قفسه‌های دیواری با قطر هجده سانتی‌متر برای نگهداری ظروف تعبیه شده است.^۵ علت نام‌گذاری این مکان به چینی‌خانه آن است که شاه عباس اول در سفر خود به اردبیل (۱۰۱۶-۱۰۱۷ ق)

۱. دلبلیو فریه، *هنرهای ایران*، ترجمه پرویز مرزبان (تهران: فروزان، ۱۳۷۴)، ص ۲۶۸؛ موریس اسون دیموند، *راهنمای صنایع اسلامی*، ترجمه عبدالله فریار (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳)، ص ۱۹۸-۱۹۹.

۲. سیوری، ص ۱۴۱.

۳. برای نمونه، بنگرید به: تاورنیه، ص ۱۶۹؛ دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا، *سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا: سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول*، ترجمه غلامرضا سمیعی (تهران: نشر نو، ۱۳۶۳)، ص ۷۷؛ اولناریوس، ص ۴۹۷-۴۹۸؛ انگلبرت کمپفر، *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهاننداری (تهران: شرکت سهامی و انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۰)، ص ۲۷۵-۲۷۶-۲۵۷؛ سانسون، *سفرنامه سانسون*؛ وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی، ترجمه تقی فضل‌ی (تهران: بی‌نا، ۱۳۴۶)، ص ۸۱.

۴. میرزا سمیعا، *تذکره الملوک*، به کوشش سید محمد دبیرسیاقی (بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا)، ص ۳۳.

۵. محسن یوسفی، *ملکه گل‌مغانی زاده، تجلی هنر عرفانی در بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی* (لندن: آکادمی مطالعات ایرانی لندن، ۱۳۹۲)، ص ۳۳.

مجموعه‌ای از ظروف چینی را به آنجا اهدا کرد.^۱ اینکه شاه صفوی بخشی از یک بنای بزرگ و قابل احترام آن ایام را به لوازم چینی اختصاص می‌دهد، می‌تواند نشان‌دهنده جایگاه فرهنگ و هنر چین نزد طبقه حاکمه باشد.

مولانا محمدحسین حکاک خراسانی در وقف‌نامه‌ای که درباره این مکان نوشته، تعداد ظروف اهدایی را ۱۲۲۱ عدد ذکر کرده است. ظروف اهدایی بدین شرح بود: «۲۷۳ عدد لنگری بزرگ و کوچک و وسط، ۴۵ عدد بادیه به شرح ایضاً، ۲۵ عدد نیمه صحن، ۶۱ عدد مجسمه، ۱۷۰ عدد کاسه بزرگ و کوچک و وسط، ۲۰۶ عدد نعلبکی، ۹۵ عدد پیاله، ۱۴ عدد آفتابه، ۲۳ عدد تنگ فرح‌افزا، ۵ عدد قرابه بزرگ، ۹ عدد صراحی، ۴ عدد تنگ، ۱۹ عدد قدح، یک عدد کوزه، ۵ عدد سبو، ۳۲ عدد مرتبان، ۳۶ عدد نرگس‌دان، ۲ عدد سازج، ۳ عدد کفچه، ۶ عدد حقه بزرگ و کوچک، ۱ عدد مرهم‌دان، ۱ عدد گاودوش، ۱ عدد نمک‌دان، ۱ عدد فنجان، ۸۴ عدد سایر از سرخرفه و غیره، ۱ عدد قیف، ۱ عدد یشک کشکول، ۴ عدد پیاله، ۱ عدد عقیق یمن کشکول.»^۲ این اسامی گویای تنوع ظروف چینی و استفاده قابل توجه مردم آن روزگار از آنها در زندگی روزانه خود است. وجود این ظروف چینی اهدایی عمارت چینی‌خانه را به مجموعه‌ای گران‌بها تبدیل کرده بود.^۳ با توجه به اهمیت و ارزش این ظروف، شاه عباس اول مجموعه دیگری از چینی‌آلات را نیز وقف آستان مقدس امام رضا (ع) نمود.^۴ در گذر ایام، بسیاری از ظروف عمارت چینی‌خانه گم شده یا از بین رفته است. تعداد این ظروف در سال ۱۳۴۰ شمسی مجموعاً ۸۰۶ پارچه بود. از این تعداد حدود ۳۰۰ پارچه سالم بود که بر روی اکثر آنها نام شاه عباس آمده بود.^۵

موضوع حائز اهمیت دیگر، نقش و نگارهای درون عمارت چینی‌خانه است. در نگاره‌های این بنا نبرد ببر با یک حیوان افسانه‌ای و اژدها به چشم می‌خورد.^۶ این نگاره‌ها نشان‌دهنده هماهنگی و تناسب میان طراحی چینی‌خانه و ظروف موجود در آن است. بیشتر نگاره‌ها به رنگ آبی هستند و منقوش به تصاویری مانند لباس‌های سنتی مردان، زندگی روستایی کشاورزان چینی و حیواناتی چون اژدها و شیر^۷ که دو مورد اخیر مبین قدرت و عظمت چین هستند.^۸ وجود ظروف چینی در این عمارت از استمرار و پایداری هنر

۱. اسماعیل دیباج، آثار باستانی و ابنیه‌های تاریخی آذربایجان (تهران: شورای مرکزی جشن شاهنشاهی، ۱۳۴۵)، ص ۵۴.
2. A. Lane, *Later Islamic Pottery* (London, 1957), pp. 88-91.

۳. ملا جلال‌الدین محمد یزدی، روزنامه ملا جلال؛ تاریخ عباسی، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا (بی‌جا: وحید، ۱۳۶۶)، ص ۴۲۶-۴۲۵-۴۲۴.

۴. عمادالدین شیخ‌الحکمایی، فهرست اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی (تهران: کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷)، ص ۱۴.
۵. اسکندر بیگ ترکمان، تاریخ عالم‌آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، ج ۲ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۲۵)، ص ۷۶۰؛ ولی قلی بن داوود شاملو، قصص الخاقانی، تصحیح سید حسن سادات ناصری، ج ۱ (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱)، ص ۱۹۴.

۶. دیباج، ص ۵۸.

۷. یوسفی و گل‌مغانی‌زاده، ص ۱۵۲.

۸. همان، ص ۳۰۹.

چینی‌سازی در ایران در دوره حکومت صفویه و حتی مدتی بعد از آن خبر می‌دهد.^۱ او بن اظهار می‌دارد که تمام ظروف مزین به این عبارت است: «کلب آستان علی و بنده درگاه علی شاه عباس». این عبارت عنوان و سجع مهرهای پادشاهی است که آنها را به مقبره جدش اهدا کرده است.^۲

شکوه عمارت چینی‌خانه از دید سیاحان اروپایی عهد صفویه پنهان نمانده است. آدام اولناریوس (۱۶۳۷م/ ۱۰۱۵ق) آورده که در آرامگاه شیخ صفی رواقی بزرگ با سقف گنبدی شکل وجود داشت که آن را «جنت‌سرا» می‌نامیدند و به کتابخانه اختصاص داده شده بود. در تعدادی از قفسه‌های آن به طور نامنظم کتاب چیده و در قفسه‌های دیگر نیز چند صد ظرف چینی به اندازه‌های متفاوت و نیز گلدان‌های چینی بسیار گرانبها قرار داده بودند. برای پادشاهانی که به آرامگاه شیخ صفی می‌آمدند، در این ظروف غذا آورده می‌شد.^۳ به نوشته کمپفر، به دلیل اهمیت این ظروف، افرادی مسئولیت جابه‌جایی آنها را بر عهده داشتند که با القابی چون «یاغچی»^۴ یا «چینی‌کش» یا «چینی کشیکچی باشی» از آنها یاد شده است.^۵

سرامیک و کاشی‌سازی

هنر سرامیک‌سازی در ایران عصر صفوی، به دلایلی چون دعوت از هنرمندان چینی و انتقال اندیشه‌های آنان و به‌کارگیری ایده‌های گوناگون در کنار حمایت حکومت، بسیار پیشرفت کرد. با آمدن هنرمندان چینی نوع جدیدی از این هنر عرضه شد که ایرانی‌ها به تقلید از آن پرداختند. هنرمندان چینی در ساخت سرامیک و کاشی از رنگ‌های تولیدی آبی و سرمه‌ای استفاده می‌کردند. این رنگ‌ها در ظروف و بشقاب‌های سرامیکی نیز کاربرد داشت. هنرمندان چینی این ظروف را با نقش گل و گیاه تزیین می‌کردند و سپس در پشت ظروف، علامت و مهر چین را می‌زدند.^۶ احتمالاً هنرمندان چینی برای این کار مهر و علامت مخصوص به خود را داشتند.

بنجامین، ضمن اشاره به استفاده طراحان و نقاشان ایرانی از بیشتر رنگ‌ها در دوره صفویه، می‌نویسد: در بعضی از کاشی‌های تصویربرداری که من دیدم هفت رنگ به کار رفته بود که لااقل چهار رنگ آنها در حال حاضر ناشناس است و معلوم نیست که چه فرمولی دارد. در بیشتر اوقات هم، تصویر فقط روی یک کاشی کشیده نشده بلکه مجموعه‌ای از بیست تا چهل تا کاشی را فرا

1. Charles Alfered Williams, *Out Lines of Chinese Symbolism and art Motifes* (Dover Press, 1941), p. 119; Harry Morgan, *Chinese Symbols and Superstitions* (Kassinger press, 2004), pp. 18-19.

۲. یوسفی و گل‌مغانی‌زاده، ص ۳۰۹.

۳. ژان اوین، *ایران امروز*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی (بی‌جا: نقش جهان، ۱۳۶۲)، ص ۱۱۵-۱۴۵.

۴. اولناریوس، ج ۲، ص ۴۹۸.

۵. با توجه به معانی این واژه در فرهنگ‌های لغات، یا کمپفر اشتباه نوشته یا از جمله اغلاط مصطلح در آن ایام بوده است.

۶. کمپفر، ص ۱۴۹-۲۷۳.

می‌گیرد و این مجموعه‌ها دارای حاشیه‌ای هم هستند که از گل و گیاه تشکیل می‌شوند. این مجموعه، تابلوهایی را از باغ و بوستان که عده‌ای در آنها مشغول چیدن میوه بودند تشکیل می‌دادند.^۷

تأثیر هنرمندان چینی بر هنرمندان ایرانی در این تابلوها مشهود است. برای مثال، چهره زنان شبیه زنان چینی است. این تصاویر ظاهراً طرح‌هایی تقلیدی از «من-او-هار»^۸ بود که رئیس هنرمندان چینی در ایران محسوب می‌شد.^۹ نفوذ هنر چین در کاشی‌کاری برخی از بناهای تاریخی نیز به چشم می‌خورد. در تزیینات کاشی‌کاری مسجد شاه در اصفهان، «رنگ چیره زردی تابناک، نگاره‌ها متمتع از صدف‌مانی‌های درشت و فراوان و ترنج‌های تجسم‌یافته با شکل‌های بیگانه‌وش، از جمله بوته خاری، احتمالاً مشتق از ابر طوماری به کاررفته در نگارگری چین هستند.»^{۱۰} این شواهد تاریخی مبین تداوم تأثیرگذاری هنر چین بر سبک و هنر ایرانی در عصر صفویه است.

نقاشی

در نقاشی‌ها و نگارگری‌ها، مانند نقوش طراحی‌شده بر روی سفال‌ها، علاوه بر صحنه‌هایی از آثار جامی (یوسف و زلیخا) و نظامی (فرهاد و شیرین)، از مضامین عمده فرهنگ چینی مانند «آزدهایان، ققنوس‌ها، مرغابی‌های در حال پرواز» نیز بهره گرفته شده است.^{۱۱} از اثرات مهم دیگر سبک چینی، دیوارنگاره‌هاست که به ادعای شاردن، برخی ابنیه اصفهان را شبیه کاخ‌های چین می‌کند. به نوشته وی، در کاخ چهل‌ستون در دیوار تالارهایی که شاه‌نشین است، نقاشی بسیار زیبایی از منظره بزم شاه عباس اول کشیده شده است و در آن درباریان و سفیرانی از مغولستان و چین و حکومت عثمانی حضور دارند.^{۱۲} از این نقاشی می‌توان به احتمال حضور سفیر چین در دربار صفویه و برقراری روابط هرچند اندک سیاسی میان دو سرزمین در عهد عباس اول پی برد. به هر حال، این قبیل نقاشی‌های به‌جامانده از عهد صفویه، علاوه بر آنکه نشان‌دهنده تأثیر نقاشی و کارهای هنری چین بر هنر ایران در عصر صفوی هستند، ماندگاری یاد و خاطره چین و هنر آن سرزمین را در ذهن نخبگان عهد صفویه یادآور می‌شوند.^{۱۳}

۷. س ج و بنجامین، ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین شاه، ترجمه محمدحسین کردبچه (بی‌جا: جاویدان، ۱۳۶۹)، ص ۳۳۶.
۸. همان، ص ۳۳۹.

۱۰. همان.

۱۱. فریه، ص ۲۸۷.

۱۲. آزند، ص ۴۱۷.

۱۳. شاردن، سیاحتنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، ج ۵ (تهران: توس، ۱۳۷۲)، ص ۱۷۷۰-۱۸۸۱.

معماری

یکی از بهترین بناهای احدثی در دوره شاه عباس اول، مجموعه کاروانسرای گنجعلی خان حاکم کرمان (۱۰۰۵-۱۰۳۴ق) است که شامل یک میدان، کاروانسرا، بازار، حوض و حمام می‌شود. از سبک طراحی و برخی تزیینات آن چنین برمی‌آید که از مضامین هنر چین تأثیر گرفته باشد.^۱ حتی یکی از محققان ادعا می‌کند که صفویان قصد داشتند نقشه عمارت چهل ستون اصفهان را از چین بیاورند.^۲ عمارت دیگری که شبیه به باغ پادشاهان چین ساخته شده، باغ سعادت‌آباد واقع در شمال زاینده‌رود است. معماری این باغ به گونه‌ای است که رود از میان آن عبور کند. این طراحی از آن «جهت مهم است که همانند باغ پادشاه چین می‌باشد. زیرا باغ خاقان چین یکی از شاخه‌های بزرگ رود معروف به پیهه از میان آن باغ می‌گذرد و چون شاه ایران این تعریف را شنیده بود تمایل داشت باغی مانند او داشته باشد.»^۳ به این ترتیب، به نظر می‌رسد در معماری نیز، همانند دیگر حوزه‌های هنری ایران عهد صفوی، باید به دنبال نشانه‌های نفوذ هنر چین باشیم.

روابط علمی

ارتباطات ایران و چین همیشه از نوع هنری نبود. گاهی روابط فیما بین از جنس علمی بود و دو تمدن دانش‌های مختلف و یافته‌های علمی خود را به هم منتقل می‌کردند. حتی گاه ایران نقش واسطه را داشت تا برخی از علوم چینی از طریق ایران به دست ترکان عثمانی برسد و سپس از آنجا به اروپا برود.^۴ در مقابل، شواهدی از نقش احتمالی ایرانیان در انتقال علوم اسلامی به چین در قرن دهم هجری/ شانزدهم میلادی موجود است. برخی از این روابط علمی میان ایران و چین احتمالاً از طریق مبلغان مذهبی اروپایی انجام می‌گرفت که همزمان در ایران و چین فعالیت می‌کردند. مثلاً فرقه ژزوئیت که در سال ۱۰۱۳ق/ ۱۶۰۵م در اصفهان مستقر شدند، همزمان در چین نیز فعال بودند و توجه خاصی به نجوم داشتند.^۵ به این ترتیب، هرچند در روابط بین دو سرزمین غلبه با روابط تجاری و هنری بود، باید در نظر داشت که این روابط زمینه را برای تبادل اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها و آشنایی با علوم مختلف در دو سرزمین فراهم می‌کرد.

۱. محمد بن هدایت‌الله افوشته‌ای، *نقاوه الآثار فی ذکر الاخبار در تاریخ صفویه*، به اهتمام احسان شرقی (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۵۰)، ص ۱۰۲-۱۱۰؛ ابوالحسن قزوینی، *فوائد الصفویه*، تصحیح مریم میراحمدی (تهران: مؤسسه مطالعاتی و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷)، ص ۱۰۸؛ محمدیوسف واله اصفهانی، *خلد برین: ایران در روزگار صفویان*، تصحیح میرهاشم محدث (تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۲)، ص ۱۳۲-۲۰۲.

۲. آژند، ص ۴۴۰.

۳. محمدابراهیم باستانی پاریزی، *سیاست و اقتصاد عصر صفوی* (تهران: نگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه، ۱۳۴۸)، ص ۱۴۹.

۴. محمد مهدی بن محمد رضا اصفهانی، *نصف جهان فی تعریف الاصفهان*، تصحیح منوچهر ستوده (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸)، ص ۴۵.

۵. آژند، ص ۲۹۰.

پزشکی و داروسازی

در فهم میزان تأثیرپذیری میراث پزشکی عهد صفویه از چین باید به نقش واسطه‌گری تیموریان و روند انتقال دستاوردهای علمی از تیموریان به صفویه توجه داشت. در زمان غیاث‌الدین اصفهانی، از دانشمندان و پزشکان اواخر تیموری، اعتقاد به خواص جادویی برخی از داروهای چینی افزایش یافت. یکی از این داروها شربتی بود که به آن «آب جمع» می‌گفتند. به نوشته‌الگود،

... این مایعی است با بوی زننده که اگر مدتی بماند، سیاه‌رنگ می‌شود و به‌سان مرکب به نظر می‌رسد. این ماده را از شکم ماهی‌ای به نام جمع به دست می‌آورند که در دریا‌های چین پیدا می‌شود. خاصیت عجیب این مایه آن است که اگر کسی پایش شکسته باشد و آن را بیاشامد، فوراً پایش خوب می‌شود ولی باید کمال دقت را به عمل بیاورد که به هنگام نوشیدن آن به دندان‌هایش نرسد، زیرا بلافاصله آنها را فاسد می‌کند. البته باید آن را بعد از آنکه استخوان‌های شکسته را جا انداختند، بخورند.^۱

اولتاریوس گزارش می‌دهد که در نزدیکی مسجد اصفهان دکانی وجود دارد که علاوه بر انواع کالاها، داروهای وارداتی از تاتار و چین را به فروش می‌رساند.^۲ تاورنیه نیز به استفاده از ماده‌ای گیاهی-دارویی به نام «چینی» یا «ریوند چینی» اشاره می‌کند. به نظر او، ایرانیان نسبت به اروپاییان کمتر دچار بیماری می‌شوند، چون به‌خصوص کسانی که متمول هستند، در فصل بهار چینی می‌خورند. وی اشاره می‌کند که «چینی ریشه‌ای است شبیه به ریوند که از چین می‌آورند و برای حفظ صحت بهترین دواست.»^۳ شاید به دلیل تشابه دو گیاه «چینی» و «ریوند چینی» است که در کتاب چین‌نامه که مقارن دورۀ صفویه ترجمه شده، آمده که ریوند که خاصیت درمانی دارد، در چین بسیار است و در جای دیگری پیدا نمی‌شود.^۴ همچنین در این عهد برای درمان بیماری‌ها از پادزهرهای مختلف استفاده می‌کردند که ظاهراً برخی از آنها چینی بودند. افزون بر پادزهر تریاق، پادزهر دیگری نیز وجود داشت که به آن «پادزهر مهره» می‌گفتند. از این پادزهر برای دفع سموم حیوانی، معدنی، گیاهی و بعدها برای درمان بیماری‌هایی مانند آبله، صرع و وبا استفاده می‌کردند.^۵ عمادالدین محمود بن مسعود شیرازی از پزشکان دورۀ صفویه (صاحب رسالۀ

۱. همان.

۲. اولتاریوس، ج ۲، ص ۶۱۱

۳. تاورنیه، ص ۶۳۲

۴. مایتو ریچی، چین‌نامه، ترجمۀ محمد زمان (تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۷)، ص ۱۵.

۵. سیریل الگود، طب در صفویه، ترجمۀ محسن جاویدان (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۷)، ص ۵۶-۵۸.

افیونیه) اشاره می‌کند که این پادزهر را در چین از بطن میمون‌ها به دست می‌آورند.^۱ الگود که برخی از مطالب اثرش مورد نقد است^۲، ضمن آنکه پزشکان عهد صفویه را از حیث دسترسی به «پادزهر مهره» خوش‌شانس می‌داند، اشاره می‌کند که برخی مازو را به جای پادزهر مهره می‌فروشدند.^۳ اما عمادالدین محمود شیرازی روش‌های مختلفی را برای تشخیص انواع اصلی و تقلبی پادزهر مهره بیان کرده است.^۴ با توجه به اطلاعات اندک منابع، به نظر می‌رسد آگاهی پزشکان ایرانی از برخی داروها و معلومات پزشکان چینی، بیش از مجاری رسمی و تدابیر حکومتی، از طرقی چون مطالعه کتب و مراوده با تجار و مسافران بین دو کشور و یا کشور ثالثی چون هند بوده باشد. برای بررسی مورد آخر لازم است مهاجرت شماری از پزشکان ایرانی به شبه‌قاره هند در ایام حکومت صفویه و بازگشت برخی از آنان به ایران را مد نظر قرار دهیم.^۵

روابط اقتصادی

به دلیل موقعیت جغرافیایی ایران و اقدامات برخی از شاهان صفوی، اقتصاد ایران در زمان قابل توجهی از ایام این حکومت از رونق و شکوفایی برخوردار بود. در فعالیت‌های بازرگانی برون‌مرزی صفویه، اروپاییان بیشترین نفوذ را داشتند، اما ارتباط اقتصادی ایران با چین، به صورت محدود، ادامه داشت. تجارت برون‌مرزی ایران در عهد شاه عباس اول به دلیل علاقه وی و ایجاد ثبات و امنیت رونق گرفت، اما چین در این مقطع به دلیل اغتشاشات و ناامنی داخلی^۶ نتوانست از این فرصت طلایی برای توسعه روابط تجاری دو کشور استفاده کند. البته محدود ماندن تجارت ایران و چین در عهد شاه عباس اول دلایل احتمالی دیگری نیز داشت، دلایلی چون از رونق افتادن مسیر خشکی جاده ابریشم و ضرورت داشتن کشتی‌های تجاری برای تردد در اقیانوس‌ها. نکته مهم دیگر که به سبب اطلاعات محدود منابع در حد حدس و فرض باقی می‌ماند، رقابت یا همکاری ایران و چین برای صدور ابریشم به غرب است که کالای استراتژیک صادراتی صفویه بود. احتمال دارد که موفقیت قرون گذشته ایران در پرورش کرم ابریشم در کنار ناکامی چین در حفظ موقعیت سابق خود در این صنعت از علل مؤثر سکوت منابع باشد.

۱. عمادالدین شیرازی، *افیونیه*، به کوشش محمدمهدی اصفهانی (بی‌جا: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل وابسته به دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۱۳۸۳)، ص ۱۳.

۲. برای نمونه، بنگرید به: حسین رضوی برقی، «نقدی گذرا درباره کتاب تاریخ پزشکی ایران»، *نامه تاریخ پژوهان*، ش ۲ (تابستان ۱۳۸۴)، ص ۶۹-۹۷.

۳. الگود، *طب در صفویه*، ص ۵۹.

۴. شیرازی، ص ۱۳.

۵. برای نمونه، بنگرید به: رضا واقع عباسی، شمس‌الدین حمید، «پزشکان ایرانی در دربار کورگانیان هند»، *مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان*، س ۹، ش ۳۳ (زمستان ۱۳۹۶)، ص ۲۳۹-۲۶۳.

۶. مین لوهویی، *تاریخ چین*، ترجمه ناهید شرقی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۴)، ص ۵۵.

تجارت؛ کالاهای عمده صادراتی به چین

در زمان شاه عباس اول تجارت و بازرگانی خارجی ایران رونق یافت و بازرگانانی از چین، آسیای مرکزی، عربستان، عثمانی و هند برای خرید اشیای تجملی و کالاهای صنعتگران صفوی به اصفهان آمدند.^۷ از عوامل مؤثر در این ارتباطات رونق بازرگانی خارجی، برقراری امنیت، احداث جاده‌ها، ایجاد امکانات اقامتی و همچنین توسعه کشتی‌رانی بین‌المللی بود که سبب تسهیل صدور کالاهای تجاری از ایران به غرب و نیز به شرق و کشورهای هند و چین می‌شد.^۸ در بین کالاهای تجاری، چای و ابریشم از چین و انواع جواهر و ادویه از هندوستان طرفداران بیشتری داشت.^۹ افزون بر فعالیت تجار شهرهای بزرگی چون تبریز^{۱۰} و شیراز^{۱۱}، در بازار پایتخت نیز در کنار تجار ایرانی و اروپایی، بازرگانان ختایی هم حضور داشتند.^{۱۲} همچنین در یکی از مناطق نزدیک به سواحل خلیج فارس، یعنی شهر لار، که از کانون‌های مهم تجاری بود، بازرگانانی از کشورهای مختلف چون چین به تجارت می‌پرداختند.^{۱۳} با توجه به این قبیل شواهد و نیز حمایت‌شاهانی چون عباس اول، در عرصه روابط تجاری نیز شاهد حضور چینی‌ها در بازارهای ایران هستیم.

عامل مهم دیگر که در رونق ارتباطات تجاری ایران و چین در دوره صفویه مؤثر بود، فعالیت همزمان کمپانی‌های بزرگ تجاری هند شرقی اروپاییان در هر دو سرزمین بود که ارتباطات غیرمستقیم میان آن دو را ممکن می‌ساختند. کمپانی‌های هند شرقی انگلیس و هلند که تا مدت‌ها از مهم‌ترین فعالان و رقیبان در عرصه تجارت بین‌المللی بودند، برای سود خویش، در صادرات و واردات برخی از کالاهای این دو کشور نقش واسطه را ایفا می‌کردند. در زمان شاه عباس دوم (۱۰۲۱-۱۰۴۵ ق/ ۱۶۴۲-۱۶۶۶ م)، هلندی‌ها علاوه بر ابریشم «مخمل و پارچه‌های ابریشمی و قالی و مخصوصاً میوه و شراب از ایران می‌بردند و گاه چینی‌های ایران را که در شهرهای کرمان و مشهد ساخته می‌شد و در خوبی نظیر چینی‌های چین و ژاپن بود، به جای ظروف چینی و ژاپنی به اروپا می‌فرستادند.»^{۱۴} همچنین هلندی‌ها

۷. سیوری، ص ۹۵.

۸. باستانی پاریزی، ص ۱۱۳؛ محمدیوسف کیانی، معماری ایران در دوره اسلامی (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، ۱۳۷۹)، ص ۲۸۶.

۹. نصرالله فلسفی، زندگانی شاه عباس اول، ج ۵ (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۵)، ص ۱۹۴۸.

۱۰. اکرم بهرامی، تبریز از دیدگاه سیاحان خارجی در قرن ۱۷ (تهران: وحید، ۲۵۳۶)، ص ۸۹.

11. Carre Barthelemy, *Le courier du roi, en Orient. Relations de deux voyages en Perse et en Inde 1668-1674*, Edited and annotated by Dirk van der Cruysse (Paris, 2005), pp. 227-8.

۱۲. اولتاریوس، ج ۲، ص ۶۱۱.

۱۳. غلامعلی همایون، اسناد مصور اروپاییان از ایران از اوایل قرون وسطی تا اواخر قرن هجدهم، ج ۱ (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳)، ص ۹۵؛ Jacques De Bourges, *Relation du voyage de Beryte Vicaire apostolique du royaume* (Paris, 1668), p. 91.

۱۴. نصرالله فلسفی، تاریخ روابط ایران و اروپا در دوره صفویه (تهران: چاپخانه ایران، بی‌تا)، ص ۱۰۲.

برای آنکه کشتی‌های آنان خالی برنگردد، «مرمرو و سنگ‌های خوب را به هندوستان و جاوه حمل می‌کردند که آنها را در بناهای تجارخانه‌های خود به کار می‌بردند. ولی چون دولت ایران به این امر دخالت کرد، به جای سنگ، به حمل نمک پرداختند و نمک ایران با کشتی‌های هلندی تا ژاپن و چین هم می‌رفت.»^۱ به دنبال درگیری هلند در جنگ‌های داخلی، فعالیت تجاری بین‌المللی انگلیس رونق گرفت و این کشور به صورت همزمان در مناطقی چون ایران و چین به افزایش فعالیت اقتصادی و توسعه نفوذ خود پرداخت.^۲

تجارت ایران عهد صفوی با چین و یا استفاده از جغرافیای ایران برای واسطه‌گری و تسهیل تجارت اروپا و چین، از دید سیاحان تاجر مسلکی چون شاردن پنهان نمانده است.^۳ او که چند بار در سال‌های ۱۶۶۵م/ ۱۰۷۵ق و ۱۶۷۳م/ ۱۰۸۳ق به ایران سفر کرده و ظاهراً در اندیشه برقراری تجارت دائمی فرانسه یا ایران با چین بوده است، به سفیران اعزامی به دربار خاقان چین رهنمودهایی می‌کند تا بتوانند مأموریتشان را با موفقیت انجام دهند.^۴ وی علاوه بر مهم نشان دادن برقراری روابط تجاری ایران با چین، احتمالاً قصد داشته است دربار ایران را به الگوگیری از روابط فرانسه و چین ترغیب نماید.

تجارت؛ کالاهای عمده وارداتی از چین

مشک که سابقه استفاده از آن حداقل به دوره ساسانیان برمی‌گردد، از اجناس مهم وارداتی ایران عهد صفویه از چین و تبت بود.^۵ شاردن در مورد کاربرد آن می‌نویسد: «ترکیبات دارویی آن برای تحریک تمایلات جنسی و تقویت جسم به کار می‌رود.»^۶ از محصولات دیگری که از چین وارد ایران می‌شد، چای بود که از اسباب پذیرایی از مهمانان در اماکن تفریحی و خانه‌ها بود. در میدان اصلی شهر اصفهان دکه‌ای به نام «چای ختایی‌خانه» وجود داشت که «در آن آب داغ سیاه رنگی را که از ریختن گیاهی در آب جوش به دست می‌آید، به مشتریان می‌دادند.»^۷ این گیاه سرزمین ختا که از طریق سرزمین ازبک‌های تاتار به ایران آورده می‌شد، دارای برگ‌های نوک‌تیز و درازی به طول ۲/۵ سانت و عرض نیم سانت بود. این گیاه که چینی‌ها آن را چای می‌نامند، هنگامی که خشک می‌شود، سیاه‌رنگ می‌شود.^۸ اشاره به مسیر واردات چای از سرزمین ازبکان گویای آن است که این سرزمین نقش واسطه را در انتقال

۱. همان، ص ۱۰۳.

۲. منصور صفت‌گل، فراز و فرود صفویان (تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۸)، ص ۱۶۴؛ فلسفی، تاریخ روابط ایران و اروپا در دوره صفویه، ص ۹۵.

۳. شاردن، ج ۴، ص ۳۷۲.

۴. همان، ج ۳، ص ۱۴۴-۱۴۷.

۵. باستانی پاریزی، ص ۲۳۹؛ دان وانگ ای، «مشک ختن»، آینده، ش ۷ تا ۱۲ (۱۳۷۱)، ص ۳۴۳.

۶. شاردن، ج ۲، ص ۷۱۶.

۷. اولتاریوس، ج ۲، ص ۶۵۷.

۸. ریچی، ص ۱۵؛ تاورنیه، ص ۶۰۰.

برخی کالاهای چینی به ایران صفوی داشته است، هرچند نشانی از رونق این مسیر در ایام گذشته و در دوران رونق جاده ابریشم در عهد حکومت‌هایی چون مغولان و تیموریان به چشم نمی‌خورد. کاغذهای ساخت ایران از آن جهت که کاغذسازان در ساخت آنها از پارچه استفاده می‌کردند و پارچه دارای نقش و نگار بود، بی کیفیت و تیره بودند. از طرفی، ایرانیان از کاغذهای ساخت اروپا نیز استفاده نمی‌کردند و بنابراین، استفاده از کاغذهای ساخت چین را ترجیح می‌دادند.^۱

جایگاه چین و محصولاتش در ذهنیت اجتماعی

بررسی کمیت و کیفیت روابط ایران و چین در عهد صفویه از حیث هنری، علمی و اقتصادی بدون توجه به پیامدهای اجتماعی و فرهنگی این روابط و مطالعه بازتاب آن در جامعه قابل دفاع به نظر نمی‌رسد. هرچند منابع و اطلاعات ما برای تبیین این مقوله چندان زیاد نیست.

کالاهای چینی در جایگاه هدایایی ارزشمند برای دربار

از جمله نکات مورد اشاره در شرح اخبار روابط بین کشورها و منابعی که به ذکر این روابط پرداخته‌اند، هدایایی است که بین دولت‌ها رد و بدل می‌شد. پادشاهان هم به کمیت و کیفیت این هدایا حساس بودند و هم در چگونگی پذیرش و نیز حفظ و نگهداری آنها اهتمام داشتند. از شواهد ارزشمند بودن کالاهای چینی این است که در بین هدایایی که صاحب‌منصبان کشورها و حتی حکام محلی و نیز مقامات برای شاهان صفوی می‌فرستادند، کالاهای چینی به چشم می‌خورد، مانند هدایای علاءالدوله ذوالقدر (حاکم منطقه البستان واقع در آنتولی) که «از اسباب جبه‌خانه و فراش‌خانه و خیمه سرپرده از رزفت و ختایی و اطلس ختایی» برای شاه اسماعیل اول فرستاد.^۲ نمونه دیگر، هنگام کشته شدن نجم ثانی (۹۱۸ق)، ابتدا برخی متنفذان و شخصیت‌ها مانند محمد تیمورخان (فرزند شیبیک خان اوزبک) و عبیدالله خان اوزبک (امیر اوزبکان؛ ۹۳۰-۹۴۴ق) که از ترس شاه اسماعیل به فکر فرار به چین بودند، در نهایت نزد خان ترکستان رفتند. وی برای صلح این دو شخص با شاه اسماعیل، سفیری به نام خواجه عبدالرحیم را همراه با کالاهایی چون اقمشه چینی و تحفه‌های ختایی و اسب سمرقندی نزد شاه اسماعیل فرستاد.^۳ این دو مطلب نشان‌دهنده اهمیت و ارزش کالاهای چینی نزد دربار صفوی است. نکته مهم دیگر در اخبار فرار سران ازبکان، نقش پیدایی حکومت ازبکان در قطع روابط مستقیم و بی‌دردسر بین ایران و چین در عهد صفویه است.

۱. شاردن، ج ۲، ص ۸۹۳.

۲. عالم‌آرای صفوی، به کوشش یدالله شگری (بی‌جا: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰)، ص ۱۱۹.

۳. همان، ص ۴۲۹-۴۴۸.

شاردن که دو بار به گنجینه شاهی وارد شده، در بار دوم که در عهد شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵ق/ ۱۶۶۶-۱۶۹۴م) بوده است، متوجه می‌شود که بهترین گوهرها و هدایای ارزشمند را در آن گنجانده‌اند. این خزانه سه مخزن داشت که در قسمت اول آن مجموعه زیادی از زیباترین مصنوعات و گرانبهاترین اجناس دنیا نگهداری می‌شد که علاوه بر هدایای آلمان و ایتالیا، هدایای چین نیز در آن قرار داشت.^۱ وجود کالاهای چینی در شمار هدایای نفیس محفوظ در خزانه، نشانه برقراری و حفظ پیوندها بین دو تمدن در دوره صفویه است. نکته مهم دیگر آنکه اگر شاه ایران برای پادشاه کشور دیگری هدایا می‌فرستاد، اجناس چینی بخشی از هدایا بودند. برای مثال، در شمار هدایای شاه سلیمان صفوی برای سلطان عثمانی، یک دست آفتابه لکن چینی بود.^۲ در نیمه سلطنت سلطان حسین و زمانی که میرویس به اجبار راهی اصفهان شد (۱۱۳۴ق/ ۱۱۷۲۱م)، وی اموال و هدایایی را که از پادشاهانی چون پادشاه چین دریافت کرده بود، همراه خود به اصفهان برد تا با رشوه دادن به وزرا و امرای دولت به مقاصد خود دست یابد.^۳

مهاجران چینی، پسوند فامیلی چینی

به نوشته سانسون که در ۱۶۸۳م/ ۱۰۹۴ق به ایران سفر کرد، در بین کارگران شاه سلیمان که از اروپا هم بودند، کارگران چینی نیز حضور داشتند و شاه به آنان توجه داشت.^۴ افزون بر این، همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، ایرانی‌ها در ترقی صنعت چینی و سفال‌سازی از استادان متبحر چینی استفاده می‌کردند. از اقامت موقت یا دائم این چینیان در ایران صفوی و ازدواج احتمالی آنها با ایرانیان اطلاعی در دست نیست. با این حال، در برخی متون تاریخی از اشخاصی مانند «غورلو سلطان چینی حاکم فومن»،^۵ «مرادخان سلطان چینی از تفنگچیان آذربایجان»،^۶ «شاه علی سلطان چینی»^۷ یاد شده، که پسوند چینی آنان محل سؤال است. به نظر می‌رسد آنان یا وابسته به خاندان‌هایی بودند که در صنعت چینی‌سازی کار می‌کردند، یا جزء خانواده‌های تاجری بودند که با چین داد و ستد می‌نمودند.

۱. شاردن، ج ۷، ص ۲۶۹-۲۷۰.

۲. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۲ (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷)، ص ۹۹۵.

۳. محمدهاشم آصف، رستم التواریخ، تصحیح میترا مهرآبادی (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۲)، ص ۱۱۳.

۴. سانسون، ص ۹۳.

۵. ترکمان، ج ۱، ص ۵۱۴.

۶. همان، ج ۲، ص ۷۹۷-۸۰۸.

۷. بوداق قزوینی، جواهر الاخبار، تاریخ صفویه از آغاز تا سال ۹۸۴ق، به کوشش محمدرضا نصیری و کوئچی هانهدا (توکيو: مؤسسه مطالعات فرهنگ‌ها

و زبان‌های آسیا و آفریقا، ۱۹۹۹)، ص ۸۸.

شاهزادگان صفوی علاقه‌مند به هنر و مصنوعات چینی

در زمان صفویه، برخی از شاهزادگان و درباریان به هنر چینی علاقه داشتند. برای نمونه، شاهزاده ابراهیم میرزا که به دستور شاه اسماعیل دوم (۹۸۳-۹۸۴ق/ ۱۵۷۶-۱۵۷۷م) به قتل رسید، از علاقه‌مندان به هنر چینی بود. درباره وی آمده: «کتابخانه عالی به هم رسانیده. از خطوط استادان و خوشنویسان ماتقدم و تصویر مصوران عظیم المثل زرین‌قلم و سایر تحف در سر کار او بسیار بود. چینی‌خانه‌اش رشک نگارخانه چین و خطا می‌نمود. حرم محترم‌ش، بعد از واقعه میرزا، اکثر آنها را به جهت آنکه به دست اسمعیل میرزا درنیاید در آب ریخته، چینی‌ها را خرد کرده و...»^۱ توجه نویسنده به موضوع خرد کردن ظروف چینی، در ضمن شرح قتل شاهزاده، نشان از ارزش بالای این ظروف در آن روزگار دارد. افزون بر این، از اهتمام شاهزاده‌ای ثروتمند و خوش ذوق به ایجاد چینی‌خانه چنین برمی‌آید که احتمالاً فرادستان و درباریان دیگر هم به این کار علاقه داشته‌اند.

بازتاب روابط ایران و چین در آیینۀ شعر فارسی

مطالعه متون ادبی و شعرهای شاعران فارسی‌زبان مقیم ایران و شبه‌قاره هند از جمله اهلی شیرازی (۹۴۲ق)، بافقی (۹۹۱ق)، محتشم کاشانی (۹۹۶ق)، نوعی خوششانی (۱۰۱۹ق)، قدسی مشهدی (۱۰۵۶ق)، سلیم تهرانی (۱۰۵۷ق)، کلیم همدانی (۱۰۶۱ق) و صائب تبریزی (۱۰۸۰ق) به آشنایی عمیق‌تر با مطالب مورد اشاره و نیز آگاهی از دیگر جوانب روابط ایران و چین در دوره صفویه کمک می‌کند. برخی از شاعران برای به تصویر کشیدن اندیشه‌های ذهنی خود از زیبایی‌های سرزمین چین بهره جستند، اعم از هنر صورتگری و نقاشی^۲، زیبایی دختران چینی^۳، هنر پیکرتراشی^۴، تشبیه خط زیبا^۵ و باطن شاعر^۶ به نقاشی‌های چینی و مکانی برای زیبارویان^۷ و بت‌پرستان^۸. برخی شاعران هم

۱. ترکمان، ج ۱، ص ۲۰۹.

۲. برای نمونه، بنگرید به: کمال‌الدین بافقی، دیوان (تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۸)، ص ۴۳۶؛ کمال‌الدین محتشم کاشانی، هفت دیوان، تصحیح عبدالحسین ندایی و مهدی صدری، ج ۱ (تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۰)، ص ۶۵۰؛ نوعی خوششانی، سوز و گداز، تصحیح امیرحسین عابدی (بی‌جا: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸)، ص ۴۷؛ محمدجان قدسی مشهدی، دیوان، تصحیح محمد قهرمان (مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۵)، ص ۸۰۶؛ محمدقلی سلیم تهرانی، دیوان، تصحیح محمد قهرمان (تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۹)، ص ۱۶۹؛ ابوطالب کلیم همدانی، دیوان، تصحیح محمد قهرمان (مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵)، ص ۱۱۲۹؛ اهلی شیرازی، کلیات/شعار، به کوشش حامد ربانی (بی‌جا: کتابخانه سنایی، ۱۳۴۴)، ص ۵۷۸.

۳. بافقی، ص ۵۹۵.

۴. قدسی، ص ۵۰۰.

۵. سلیم تهرانی، ص ۳۹۵.

۶. همان، ص ۲۰۹.

۷. بافقی، ص ۴۷۵؛ محتشم کاشانی، ج ۲، ص ۵۲۵.

۸. بافقی، ص ۴۹۵-۵۹۳.

به مضامینی چون حسرت دوری از چین^۱ و بُعد مسافت^۲ پرداخته‌اند. همچنین بعضی از شاعران به مرغوبیت ظروف چینی^۳ اشاره کرده و آن را کالایی نایاب^۴، گرانسنگ^۵ و زیبا^۶ توصیف نموده‌اند. استفاده پارسی‌گویان مقیم هند از تصویرگری‌های چینی در شعرهایشان از دیگر نشانه‌های نفوذ هنر چین در عمق ذهن شاعران فارسی‌گوی و نیز تمایل ایرانیان به هنر و فرهنگ چین است. این تأثیرگذاری ناشی از عواملی چون روابط دیرینه میان دو سرزمین و نیز روابط هرچند ضعیف و محدود ایران عهد صفویه با چین در زمینه‌های اقتصادی و هنری و علمی بوده است.

نتیجه‌گیری

روابط دو سرزمین و تمدن بزرگ ایران و چین که احتمالاً به شکل جدی از قرن دوم پیش از میلاد شروع شد، تا عصر حاضر ادامه دارد. عصر طلایی روابط دو کشور در دوره پیش از اسلام، در عهد ساسانیان (۶۵۱-۶۲۴م) و در دوره ایران اسلامی، در دوران مغولان (۷۳۶-۶۵۴ق) و تیموریان (۹۱۱-۷۷۱ق) بود. روابط ایران و چین در دوره صفویان (۹۰۷-۱۱۳۵ق)، به دلایلی چون تغییرات جغرافیای سیاسی ایران و آسیا و تحولات گوناگونی که در توازن قدرت سیاسی و اقتصادی در سطح جهان روی داد، فاصله زیادی با دوره طلایی داشت. به همین علت، بررسی دقیق و همه‌جانبه چگونگی روابط دو کشور از رهگذر منابع موجود بسیار دشوار است. از شواهد پراکنده و اطلاعات اندک منابع مختلف چنین برمی‌آید که ارتباطات دو سرزمین در دوره صفویه به شکل محدود در جوانب مختلفی چون هنری، علمی، اقتصادی و فرهنگی برقرار بود. از عوامل مؤثر بر تداوم این روابط در دوره صفویه، می‌توان به پیشینه قوی ارتباطات تاریخی میان دو سرزمین، اهمیت روابط اقتصادی صفویه با چین و بالعکس و نیز نقش شرکت‌های تجاری بین‌المللی اشاره کرد. در دوره مورد بحث ظاهراً، به دلیل کاهش روابط سیاسی، سفرای زیادی بین دو سرزمین در رفت و آمد نبودند. بنابراین، ماهیت روابط این دو سرزمین در دوران صفویه عمدتاً حول محور مسائل هنری، علمی و اقتصادی است. در عرصه هنری، حداقل در زمان شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ق)، شاهد ورود شماری از هنرمندان چینی به ایران هستیم که این اقدام از نظر تجاری و آموزش ساخت سفال چینی به صنعتگران ایرانی مهم است. افزون بر این، نفوذ هنر و سبک چینی را می‌توانیم در عرصه‌هایی چون سرامیک و کاشی‌سازی، نقاشی و معماری مشاهده کنیم. تماس‌های

۱. همان، ص ۴۶۹-۴۷۶.

۲. همان، ص ۴۸۱: محتشم کاشانی، ج ۲، ص ۱۱۷۳.

۳. بافتی، ص ۳۳۳-۴۹۵.

۴. قدسی، ص ۸۸۱: تهرانی، ص ۱۴۹.

۵. کلیم همدانی، ص ۱۴۶: صائب تبریزی، دیوان، به کوشش محمد قهرمان، ج ۱ (بی‌جا: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴)، ص ۱۲۹، ۱۴۶.

۶. سلیم تهرانی، ص ۳۲۴.

علمی اندک بین این دو کشور بیشتر در زمینه پزشکی است که این هم احتمالاً بیشتر متأثر از گرایش به حفظ میراث عهد تیموریان است. در زمینه اقتصادی باید به نقش کمپانی‌های بزرگ تجاری اروپایی در واسطه‌گری تجاری بین ایران و چین توجه داشت. دیگر وجه جالب در روابط چین و ایران در دورۀ صفویه، جایگاه قابل توجه چین و محصولات مادی و غیرمادی آن در اندیشه و ذهن جامعه ایرانی آن روزگار است. از شواهد این ادعا می‌توان به مواردی چون جایگاه کالاهای چینی در سنت هدیه دادن به شاهان و فرادستان صفویه و دیگر کشورها، علاقه برخی از شاهزادگان صفوی به هنر و کالاهای چینی، و توجه برخی از شاعران فارسی‌گوی به مظاهری از تمدن و فرهنگ چینی اشاره کرد.

کتابنامه

آربری، ا. ج. میراث ایران، ترجمۀ احمد بیرشک، عزیزالله حاتمی و دیگران، زیر نظر احسان یارشاطر، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۶.

آزند، یعقوب. تاریخ ایران، دورۀ صفویان، پژوهش در دانشگاه کمبریج، تهران: جامی، ۱۳۸۰.

آصف، محمدهاشم. رستم‌التواریخ، تصحیح میترا مهرآبادی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۲.

اصفهانی، محمدمهدی بن محمدرضا. نصف جهان فی تعریف الاصفهان، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸.

اصفهانی، محمدیوسف واله. خلد برین؛ ایران در روزگار صفویان، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۲.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. تاریخ منتظم ناصری، ج ۲، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷.

افوشته‌ای، محمد بن هدایت‌الله. تقاوه الاثار فی ذکر الاخیار در تاریخ صفویه، به اهتمام احسان شرقی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۵۰.

اوبن، ژان. ایران امروز، ترجمۀ علی اصغر سعیدی، بی‌جا: نقش جهان، ۱۳۶۲.

اولناریوس، آدام. سفرنامه آدام اولناریوس؛ اصفهان خونین شاه‌صفی، ترجمۀ محمدحسین کردبچه، ج ۲، بی‌جا: کتاب برای همه، ۱۳۶۹.

اهلی شیرازی، کلیات اشعار، به کوشش حامد ربانی، بی‌جا: کتابخانه سنایی، ۱۳۴۴.

باستانی پاریزی، محمدابراهیم. سیاست و اقتصاد عصر صفوی، تهران: بنگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه، ۱۳۴۸.

بافتی، کمال‌الدین. دیوان، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۸.

بنجامین، س ج و. ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین شاه، ترجمۀ محمدحسین کردبچه، بی‌جا: جاویدان، ۱۳۶۹.

بهرامی، اکرم. تبریز از دیدگاه سیاحان خارجی در قرن ۱۷، تهران: وحید، ۲۵۳۶.

پوپ، آرتور و فیلیس واکرمن. سیری در هنر ایران؛ از دوران پیش از تاریخ تا امروز، ج ۴، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.

پورداوود، ابراهیم. هرمزدنامه، تهران: شیوا، ۱۳۳۱.

- تاورنیه. سفرنامه، ترجمه ابوتراب نوری، اصفهان: کتابخانه سنایی و کتابفروشی تایید اصفهان، ۱۳۶۳.
- تبریزی، صائب. دیوان، به کوشش محمد قهرمان، ج ۱، بی‌جا: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
- ترکمان، اسکندر بیگ. تاریخ عالم‌آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، ج ۱ و ۲، تهران: امیرکبیر، ۱۳۱۴.
- _____ تاریخ عالم‌آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، ج ۲، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۵.
- توحیدی، فائق. فن و هنر سفالگری، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۷۸.
- جرالد، فیتز. تاریخ فرهنگ چین، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
- دیباچ، اسماعیل. آثار باستانی و ابنیه‌های تاریخی آذربایجان، تهران: شورای مرکزی جشن شاهنشاهی، ۱۳۴۵.
- دیماند، موریس اسون. راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدالله فریار، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- ریچی، مایتو. چین‌نامه، ترجمه محمد زمان، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۷.
- رضوی برقی، سید حسین. «نقدی گذرا درباره کتاب تاریخ پزشکی ایران»، نامه تاریخ‌پژوهان، ش ۲، تابستان ۱۳۸۴.
- سانسون. سفرنامه سانسون، وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی، ترجمه تقی فضلی، تهران: بی‌نا، ۱۳۴۶.
- سلیم تهرانی، محمدقلی. دیوان، تصحیح محمد قهرمان، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۹.
- سمیعا. تذکره الملوک، به کوشش سید محمد دبیرسیاقی، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
- سیوری، راجر. ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، بی‌جا: مرکز، ۱۳۶۳.
- شاردن. سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، ج ۳، ۴ و ۷، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۶، ۱۳۴۵.
- _____ سیاحتنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، ج ۲ و ۵، تهران: توس، ۱۳۷۲.
- شاملو، ولی قلی بن داود قلی. قصص الخاقانی، تصحیح سید حسن سادات ناصری، ج ۱، تهران: وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
- شیخ‌الحکمایی، عمادالدین. فهرست اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، تهران: کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷.
- شیرازی، عمادالدین محمود بن مسعود. رساله افیونیه، به کوشش محمد مهدی اصفهانی، بی‌جا: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل وابسته به دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۱۳۸۳.
- صفت گل، منصور. فراز و فرود صفویان، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۸.
- عالم‌آرای صفوی. به کوشش یدالله شکری، بی‌جا: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.
- عباسی، رضا واقع و شمس‌الدین حمید، «پزشکان ایرانی در دربار گورکانیان هند»، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، س ۹، ش ۳۳، زمستان ۱۳۹۶.
- فریه، ر. دبلیو. هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: فروزان، ۱۳۷۴.
- فلسفی، نصرالله. زندگانی شاه عباس اول، ج ۵، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۵.
- _____ تاریخ روابط ایران و اروپا در دوره صفویه، تهران: چاپخانه ایران، بی‌تا.
- فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا. سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا؛ سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول، ترجمه غلامرضا

سمیعی، تهران: نشر نو، ۱۳۶۳.

قدسی مشهدی، محمدجان. *دیوان*، تصحیح محمد قهرمان، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۵.
قزوینی، ابوالحسن. *فوائد الصفویه*، تصحیح مریم میراحمدی، تهران: مؤسسۀ مطالعاتی و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.
قزوینی، بوداق. *جواهر الاخبار؛ تاریخ صفویه از آغاز تا سال ۹۸۴ق*، به کوشش محمدرضا نصیری و کوئیچی هانه دا، توکیو: مؤسسۀ مطالعات فرهنگ‌ها و زبان‌های آسیا و آفریقا، ۱۹۹۱.

کلیم همدانی، ابوطالب. *دیوان*، تصحیح محمد قهرمان، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.
کمپفر، انگلبرت. *سفرنامه کمپفر*، ترجمۀ کیکاووس جهان‌داری، تهران: شرکت سهامی و انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۰.
کیانی، محمدیوسف. *معماری ایران در دورۀ اسلامی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، ۱۳۷۹.
الگود، سیریل. *تاریخ پزشکی ایران؛ از دورۀ باستان تا سال ۱۹۳۴*، ترجمۀ محسن جاویدان، تهران: اقبال، ۱۳۵۲.
_____ *طب در دورۀ صفویه*، ترجمۀ محسن جاویدان، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.

لوهویی، مین. *تاریخ چین*، ترجمۀ ناهید شرقی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۴.
محتشم کاشانی، کمال‌الدین. *هفت دیوان*، تصحیح عبدالحسین نوایی، مهدی صدیقی، ج ۱ و ۲، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۰.

نوعی خبوشانی. *سوز و گداز*، تصحیح امیرحسین عابدی، بی‌جا: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸.
وانگ، ای دان. «مشک ختن»، *آینده*، س ۱۸، ش ۷ تا ۱۲، ۱۳۷۱.
همایون، غلامعلی. *اسناد مصور اروپاییان از ایران از اوایل قرون وسطی تا اواخر قرن هیجدهم*، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.

یزدی، ملا جلال‌الدین محمد. *روزنامه ملا جلال؛ تاریخ عباسی*، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، بی‌جا: وحید، ۱۳۶۶.
یوسفی، محسن و ملکه گلمغانی‌زاده. *تجلی هنر عرفانی در بقعۀ شیخ صفی‌الدین اردبیلی*، لندن: آکادمی مطالعات ایرانی لندن، ۱۳۹۲.

Barthelemy, Carre. *Le courier du roi, en Orient. Relations de deux voyages en Perse et en Inde 1668-1674*, Edited and annotated by Dirk van der Cruysse, Paris, 2005.

Bourges, Jacques De. *Relation du voyage de Monseing neur Leuque de Beryte Vicaire apostolique du royaume*, Paris, 1668.

Carsewll, John. *Blue and White ceramics, Chinese Parcelain Aroun the World*, London, 2000.

Justi, J. G. *Vollständige Abhandlungen von den Manufakturen and Fabriken*, Copenhagen, 1758.

Lane, A. *Later Islamic Pottery*, London, 1971.

Ma Huan, Ying-Yai Sheng-lan (the Overall Survey of the Ocean's Shores), ed. and tr. J. V. G. Mills, Cambridge: University Press for the Hakluyt Society, 1970,

Morgan, Harry. *Chinese Symbols and Superstitions*, kassinger press, 2004.

Wiliams, Charles Alfered. *Out Lines of Chinese Symbolism and Art Motifes*, Dover Press, 1941.